روزنامه شرق
www.sharghdaily.com | aparat:tasvirshargh | Telegram:SharghDaily | youtube:sharghdaily | twitter:sharghdaily | instagram:sharghdaily1

یادداشت

تردد اتباع خارجی از مرزهای کشور و امنیت ملی

... این پرسش طرح می‌شود که سهم دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف در بروز این مسئله که با امنیت ملی در ارتباط است، چه میزان است؟ یعنی مجموعه نهادها و دستگاه‌های حاکمیتی و اجرائی و قانون‌گذاری و قضائی کشور به تفکیک هر یک چه میزان از بروز این نابسامانی را بر عهده دارند. یا چه نهاد و سازمانی مسئول پیگیری و مواخذه خطاها و کم‌کاری‌های صورت‌گرفته در این‌باره است؟ آیا مشکل اصلی به میزان بودجه اختصاص‌یافته به مراقبت از مرزها و مرزبانی‌ها بازمی‌گردد؟ یا کمبود تجهیزات و ابزارهای پایش و مراقبت چه سهمی در این وضعیت دارد؟ ۶ عدد کارآمدی لازم دستگاه‌های ذی‌ربط، شرایط سخت جغرافیایی و دیگر عوامل چه سهمی در این وضعیت دارند؟ و کدام نهاد ناظر مشخول بر این روند است؟
۲. تردد پرشمار و چندصد هزار نفری اتباع خارجی از مرزهای کشور یک کاستی جدی امنیتی است. امروز در منطقه به‌ویژه در شرق و غرب کشور سایه‌های ناامنی و خشونت سازمان‌یافته و فعالیت‌های تروریستی و افراطی‌گری بیش از هر زمان دیگری نمایان است. در چنین شرایطی توجه به تردد از مرزهای کشور یک امر حیاتی برای امنیت ملی است. اینکه شمار زیادی از اتباع خارجی بتوانند به‌راحتی از مرزهای کشور رفت‌وآمد کنند، نشانه نکران‌کننده‌ای است که با جدیت باید به آن پرداخته شود. اینکه نماینده مجلس کسب لابد به آمار و ارقام و اطلاعات محرمانه دسترسی دارد، خبر می‌دهد که ایس رفت‌وآمدها گاه با انتقال سلاح و مواد مخدر برای جبران هزینه‌های سنگر بگیرد و دیگر اینکه نگرانی‌ها می‌افزاید. همچنین از زاویه دیگری هم توجه به این شرایط ضروری است؛ چون بدیهه مخاطره‌انگیزی به شیوه فساد در مرزها نیز منجر می‌شود و پیامدهای جدامنیتی جدی‌تلاوه‌ای ایجاد می‌کند. بنابراین جای درنگ ایست‌ویست و توجه به مرزها از نان شب برای کشور ضروری‌تر است. به‌ویژه باید توجه شود که در مرزهای کشور شیوع انواع قاچاق به‌خصوص قاچاق سوخت و مواد مخدر هم زندگی جمعی و اقتصاد و امنیت کشور را هدف قرار داده است.
۳. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر عالی‌ترین مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۴. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۵. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۶. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۷. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۸. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۹. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۱۰. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۱۱. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۱۲. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۱۳. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۱۴. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۱۵. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۱۶. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۱۷. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۱۸. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۱۹. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۲۰. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۲۱. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۲۲. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۲۳. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۲۴. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.
۲۵. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.

۶ دهه منطقه‌گرایی اقتصادی ایران در آرسی‌دی و اکو

دستاوردها و ناکامی‌ها

مرتضی دامن‌پاک جامی

ایجاد سازمان‌ها، اتتلاف‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای و چندجانبه اندیشه تازه‌ای نبوده و از زمانی که دولت‌ها به وجود آمده‌اند، این نهادها نیز شکل گرفته‌اند. اما اتفاق نظر صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل بر این است که مناسبات بین قدرت‌های جهانی پس از جنگ جهانی دوم و شرایط نوین بین‌المللی، زمینه را برای به وجود آمدن سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای بیش از گذشته فراهم کرد. اولین تلاش‌های منطقه‌گرایی پس از جنگ، بر موضوعات نظامی-امنیتی، اقتصادی و چندمنظوره متمرکز شد. اما در عمل و تحت تاثیر شرایط جنگ سرد، جنبه‌های امنیتی این همگرایی‌ها بر دیگر ابعاد آن غلبه پیدا کرد. با فاصله‌گرفتن شرایط بین‌المللی از فضای غالب ایامی پساجنگ و تغییر در اولویت‌های امنیتی و اقتصادی بازیگران منطقه‌ای، از دهه ۱۹۷۰ به‌تدریج فکر اتحاد و همگرایی در مناطق جغرافیایی مختلف با نگاهی به تجربه منطقه‌گرایی در اروپا به منظور تامین رفاه و توسعه اقتصادی اهمیت بیشتری پیدا کرد. در این راستا، سازمان‌ها و تونیبات منطقه‌ای مانند آسه‌آن، اکواس، سارک، سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، جامعه آند و شورای همکاری خلیج فارس شکل گرفتند. اهمیت منطقه‌گرایی در مواد ۵۴-۵۱ منشور ملل متحد و در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (کات) نیز مورد تاکید قرار گرفته است. هرچند در دوران پس از جنگ جهانی دوم مهم‌ترین تلاش برای همگرایی منطقه‌ای در اروپا با تشکیل اتحادیه زغال و فولاد در سال ۱۹۵۲ آغاز شد. اما موج همگرایی منطقه‌ای با الگوبندری از روند همگرایی در اروپا و تحت تاثیر پاره‌ای عوامل دیگر مثل مناسبات جنگ سرد، ظهور کشورهای جدید در عرصه جهانی در نتیجه استعمارزدایی و تلاش‌های سازمان ملل، به‌تدریج به مناطق در حال توسعه نیز کشیده شد.

پایان جنگ سرد نوع متفاوتی از همگرایی و همکاری در فضای متنوع سیاسی-امنیتی، اقتصادی و تجاری را برانگیخت که هرچند بر پایه گسترش و بازبینی اندیشه منطقه‌گرایی دوران جنگ سرد شکل گرفت، اما شامل تنوع بازیگران، موضوعات و سازمان‌های منطقه‌ای است که در مناطق مختلف گسترش یافته‌اند. بنابراین اگر بتوان برای محیط بین‌المللی پس از جنگ سرد مجموعه‌ای از خصیصه‌ها را برشمرد، یکی از بارزترین آنها گسترش و تعمیق همپیوندهای منطقه‌ای در اشکال گوناگون آن است. در عرصه عمل، شمار درخورتوجهی از سازمان‌های منطقه‌ای در این دوران شکل گرفتند، به طوری که براساس آمار سازمان تجارت جهانی، تعداد ترتیبات اقتصادی و تجاری منطقه‌ای ثبت‌شده در این سازمان، از ۱۲۴ مورد در آغاز کار در سال ۱۹۹۵ به عدد ۵۹۴ در زانویه ۲۰۲۴ رسیده که بیش از ۳۶۰ مورد از آنها فعال‌اند. از این منظر، موج جدید منطقه‌گرایی پس از جنگ سرد به‌عنوان منطقه‌گرایی نوین شناخته می‌شود که با توجه به پدیده جهانی‌شدن و پیدایی بنیان‌های جدید همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی، گسترش ارتباطات و فناوری‌های پیشرفته شکل گرفته است. در حوزه نظریه‌پردازی، از دهه ۱۹۶۰ به بعد موضوع همگرایی با یکپارچگی منطقه‌ای، جایگاه ویژه‌ای در بررسی‌های نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل پیدا کرد. موج دوم منطقه‌گرایی و نظریه‌پردازی درباره آن، در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ ایجاد شد و روابط بین‌الملل را شدیداً تحت تاثیر قرار داد. هرچند بسیاری از نظریه‌های همگرایی در ابتدا متاردف و معطوف به همگرایی اروپا بودند، اما با ظهور همگرایی در مناطق غیراروپایی، این نظریه‌ها تحت تاثیر تجارب همگرایی در دیگر مناطق قرار گرفتند. با این حال، پرسش اصلی از سوی بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل این است که ارزیابی عملکرد و قواعد همگرایی منطقه‌ای در سازمان‌های منطقه‌ای مثل اکو متشکل از کشورهایی با سطوح متفاوت اقتصادی و نظام‌های سیاسی ناهمگون در منطقه‌ای که بسیاری از براساس معیارها و مفروضه‌های کدام نظریه رایج روابط بین‌الملل یا اتحاد سیاسی بین‌الملل می‌توان مورد سنجش قرار داد؟ در پاسخ، بسیاری از نظریه‌پردازان همگرایی منطقه‌ای معتقدند که به دلیل تنوع و تکثر منطقه‌گرایی نوین و تغییر و تحول در نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای در دهه‌های گذشته، هیچ‌گاه نظریه جامع و فراگیر که قادر به تبیین همه ابعاد این فرایند باشد، ساخته و پرداخته نشده است. به‌همین‌دلیل، نظریه‌پردازان جدید همگرایی منطقه‌ای، در تلاش برای ارائه یک چارچوب تحلیلی عام و فراگیر، با استفاده از نظریه تلفیق‌گرایی، اقدام به تحلیل کیفیت ایجاد یک رشته شاخص با معیار گزینش شده از نظریه‌های متنوع خردگرا و معناگرا برای ارزیابی سطح همگرایی پیشنهاد کرده‌اند. برای ارزیابی ملموس‌تر فعالیت‌های اکو نیز در این یادداشت تحلیلی براساس رویکرد گلچین‌گرایی و با استفاده تلفیقی از برخی عناصر و معیارهای تجویزشده از سوی نظریه‌های مختلف منطقه‌گرایی از جمله نظریه‌های خردگرا و دولت‌محور مبتنی بر نتیجه اتحادیه اروپا مثل نوکارکردگرایی، نهادگرایی و نظریه‌های منطقه‌گرایی اقتصادی که بر کردن آزاد کالا، سرمایه و همکاری به عنوان منافع اقتصادی تاکید می‌کنند، و همچنین شاخص‌های مبتنی‌ارنامه‌در دیدگاه‌های معرفت‌شناختی سازه‌انگاری، شورای منطقه‌گرایی در منطقه کاتونوی و اشپیگل و دیدگاه‌ژکوب ولیوز دربواره نقش تیوتی سازمان منطقه‌ای، به بررسی و ارزیابی روند فعالیت‌ها در آرسی‌دی‌پردازیم. در بخش مربوط به ارزیابی نقش و عملکرد این اکو در توسع شاخص شورای منطقه‌ای باید واژه مناظر واژه مناظر متنوع توجه شود تا با توجه به اولویت‌های امنیتی قرار داده و این اشکال اکو فقط اولویت اساسی است.

۳. در بسیاری از کشورها مرزبانی، سازمانی مستقل و تحت نظر عالی‌ترین مقام اجرائی چون نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور قرار دارد. در برخی کشورها نیز ساختار وزارت خارجه یا اجرای غیرقابل اجرا و رودربرقرارکردن آن با بخش گسترده‌ای از جامعه می‌کند. همه اینکه منوط به اجرای امر به‌ظاهر قانونی هستیم که فاقد ضرورت، غیرقابل اجرا و مخل یکپارچگی ملی است. بنابراین باید در چارچوب قانون اساسی چاره‌جویی کنیم.

۳- بررسی روند عوامل و تاثیرات همگرایی

با توجه به توضیحات پیش‌گفته، کشورش اکو در شرایط جنگ سرد و فضای دوقطبی ایجاد نگرفت، بلکه ناشی از نیازها و انتظارات دوسویه اعضای قدیمی و جدید از یک سو و ضرورت‌های متاثر از فروپاشی نظام بین‌الملل دوقطبی و ورود به دوران گذار بود که شاخصه اصلی آن در حوزه اقتصادی غالب‌شدن الزامات و عناصر اقتصاد جهانی نولیبرال با بازار آزاد است. این رویکرد اقتصادی، پس از پایان نظام دوقطبی جنگ سرد نقش بسیار مهمی در توضیح نظام حاکم بر سیاست و اقتصاد جهانی داشته و یکی از بسترهای اصلی گفتمان جهانی‌شدن و توسعه اقتصادی به شمار می‌رود. با توجه به این برداشت از منطقه‌گرایی نوین و در نظر گرفتن شاخص‌ها و معیارهایی که پیش‌تر برای ارزیابی همگرایی منطقه‌ای برشمردیم در ادامه این یادداشت تلاش می‌کنیم به ارزیابی میزان توفیقات اکو از زمان گسترش آن تاکنون بپردازیم و بررسی کنیم که این سازمان در مسیر دستیابی به اهداف مورد نظر تا چه اندازه موفق بوده است.

۳-۱- نقش عوامل مادی و ثابت در روند همگرایی اکو

براساس مجموعه‌ای از عوامل عینی و ثابت مورد اشاره در نظریه نوکارکردگرایی ارنست هاوس، عوامل بسیار مهم جغرافیایی و اقتصادی باعث ایجاد و تداوم همکاری‌ها در یک سازمان منطقه‌ای و حرکت به سمت همگرایی منطقه‌ای می‌شوند. دربواره کلی‌تر از مهاجرین جریان همگرایی.

- وسعتی برابر با هشت میلیون کیلومترمربع که معادل ۱۸/۲ درصد مساحت آسیا و شش درصد مساحت کل جهان است که آن را در ردیف دومین اتحادیه بزرگ منطقه‌ای بعد از اتحادیه اروپا قرار می‌دهد.

- در اختیار داشتن درصد بالایی از جمعیت مسلمانان جهان یعنی افزون بر ۴۰۰ میلیون نفر در دهه ۹۰ میلادی و حدود ۵۵۰ میلیون نفر درحال‌حاضر که از نظر اقتصادی یک بازار قوی برای توسعه مبادلات تجاری محسوب می‌شود.

- همجواری و نزدیکی با ابرهای بزرگ جهان مانند خلیج فارس، دریای عمان، بحر خزر، اقیانوس هند، دریای مدیترانه، شورای سیاه و دستسرس مستقیم به آنها و همجواری با کشورهای قدرتمند چین هند و روسیه.

- برخورداری از منابع عظیم معدنی به‌ویژه نفت و گاز خزر که به عنوان یکی از مناطق مکمل مشکل انرژی در نظر تامین منابع انرژی جهان محسوب می‌شود.

- وجود شبکه‌های گسترده مواصلاتی راه‌آهن و جاده‌ای و زیرساخت‌های مخابراتی، فیبر نوری و شبکه‌های انتقال برق و فرآورگاهی در مسیر کریدورهای مهم ترانزیتی در غرب آسیا.

به این ترتیب، اکو امکانات و توانایی‌های بالقوه عظیمی را به لحاظ تنگ دمی در خود جمع کرده و عوامل جغرافیایی و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای اعضای دارای اهمیت زیادی است. زیرا اعضای جدید با پیوستن به این سازمان این امکان را یافته‌اند تا به جای مساله‌های دور و بعید امنیتی، آرام، آرام، آن‌های خارج کلیس و دریای عمان به ترانزیت کالاهای مورد نیاز خود یا صادرات محصولات کشاورزی و انرژی بپردازند و از این طریق دشواری‌های محصور در خشکی‌بودن، رفع کنند. بنابراین، پیشنهاد کلی‌تر این است که اعضای آن را در کنار یکدیگر قرار داده و به اساس توسعه آن را در کنار یکدیگر قرار داده است.

۳- بررسی روند عوامل غیاب اکو

با توجه به توضیحات پیش‌گفته، کشورش اکو در شرایط جنگ سرد و فضای دوقطبی ایجاد نگرفت، بلکه ناشی از نیازها و انتظارات دوسویه اعضای قدیمی و جدید از یک سو و ضرورت‌های متاثر از فروپاشی نظام بین‌الملل دوقطبی و ورود به دوران گذار بود که شاخصه اصلی آن در حوزه اقتصادی غالب‌شدن الزامات و عناصر اقتصاد جهانی نولیبرال با بازار آزاد است. این رویکرد اقتصادی، پس از پایان نظام دوقطبی جنگ سرد نقش بسیار مهمی در توضیح نظام حاکم بر سیاست و اقتصاد جهانی داشته و یکی از بسترهای اصلی گفتمان جهانی‌شدن و توسعه اقتصادی به شمار می‌رود. با توجه به این برداشت از منطقه‌گرایی نوین و در نظر گرفتن شاخص‌ها و معیارهایی که پیش‌تر برای ارزیابی همگرایی منطقه‌ای برشمردیم در ادامه این یادداشت تلاش می‌کنیم به ارزیابی میزان توفیقات اکو از زمان گسترش آن تاکنون بپردازیم و بررسی کنیم که این سازمان در مسیر دستیابی به اهداف مورد نظر تا چه اندازه موفق بوده است.

۳-۱- نقش عوامل مادی و ثابت در روند همگرایی اکو

براساس مجموعه‌ای از عوامل عینی و ثابت مورد اشاره در نظریه نوکارکردگرایی ارنست هاوس، عوامل بسیار مهم جغرافیایی و اقتصادی باعث ایجاد و تداوم همکاری‌ها در یک سازمان منطقه‌ای و حرکت به سمت همگرایی منطقه‌ای می‌شوند. دربواره کلی‌تر از مهاجرین جریان همگرایی.

- وسعتی برابر با هشت میلیون کیلومترمربع که معادل ۱۸/۲ درصد مساحت آسیا و شش درصد مساحت کل جهان است که آن را در ردیف دومین اتحادیه بزرگ منطقه‌ای بعد از اتحادیه اروپا قرار می‌دهد.

- در اختیار داشتن درصد بالایی از جمعیت مسلمانان جهان یعنی افزون بر ۴۰۰ میلیون نفر در دهه ۹۰ میلادی و حدود ۵۵۰ میلیون نفر درحال‌حاضر که از نظر اقتصادی یک بازار قوی برای توسعه مبادلات تجاری محسوب می‌شود.

- همجواری و نزدیکی با ابرهای بزرگ جهان مانند خلیج فارس، دریای عمان، بحر خزر، اقیانوس هند، دریای مدیترانه، شورای سیاه و دستسرس مستقیم به آنها و همجواری با کشورهای قدرتمند چین هند و روسیه.

- برخورداری از منابع عظیم معدنی به‌ویژه نفت و گاز خزر که به عنوان یکی از مناطق مکمل مشکل انرژی در نظر تامین منابع انرژی جهان محسوب می‌شود.

- وجود شبکه‌های گسترده مواصلاتی راه‌آهن و جاده‌ای و زیرساخت‌های مخابراتی، فیبر نوری و شبکه‌های انتقال برق و فرآورگاهی در مسیر کریدورهای مهم ترانزیتی در غرب آسیا.

به این ترتیب، اکو امکانات و توانایی‌های بالقوه عظیمی را به لحاظ تنگ دمی در خود جمع کرده و عوامل جغرافیایی و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای اعضای دارای اهمیت زیادی است. زیرا اعضای جدید با پیوستن به این سازمان این امکان را یافته‌اند تا به جای مساله‌های دور و بعید امنیتی، آرام، آرام، آن‌های خارج کلیس و دریای عمان به ترانزیت کالاهای مورد نیاز خود یا صادرات محصولات کشاورزی و انرژی بپردازند و از این طریق دشواری‌های محصور در خشکی‌بودن، رفع کنند. بنابراین، پیشنهاد کلی‌تر این است که اعضای آن را در کنار یکدیگر قرار داده و به اساس توسعه آن را در کنار یکدیگر قرار داده است.

۳- بررسی روند عوامل غیاب اکو

براساس نظریه سازمانگرای با برسازی، در فرایند هویت‌سازی علاوه‌بر متغیرهای هنجاری بین‌المللی، ایدئولوژی و دارش‌های دخیل جوامع مثل ساختار سیاسی-زبان، ویژگی‌های انسانی-جمعیتی و جغرافیای کشورها یا یک منطقه خاص نقشی سازنده و غیرقابل‌دفاع‌بدن داشته‌اند. کشورش عضو اکو از نظر قومیت، زبان و خط، دین و مذهب، فرهنگ، تاریخ و میراث مشترک دارای مشابه‌های فراوان هستند. همگرایی در منطقه‌ای با این ساختار از مشابه‌های هویتی و اشتراکات فرهنگی می‌تواند بر فرایندهای هویتی اجتماعی، تجویز ارزش‌های مشترک و نهایتاً شکل‌گیری همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف می‌شود. لماظ بخشی از هویت مشترک مردم ساکن در کشورهای عضو اکو و انتظار داده است که با بیش از ۹۰ درصد از جمعیت نیمه‌بیابار نفری منطقه را مسلمانان تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر، در فاصله قرن‌های پنجم تا سیزدهم میلادی، فرامی زبان رسمی مناطق شرقی این اکو، دارای سرشتی و شبه‌اره مند رانتکیل می‌داد. که نتیجه نیز دارای پیوندهای قومی و زبانی با ساکنین اسیای مرکزی است و پس از الحاق انقلاب جدید، با تشکیل سازمان‌های کارزبان، بر اشتراکات خود با آن حوزه تاکید می‌کنند. به عنوان پایه‌واساس توسعه همکاری‌ها تاکید ورزیده است. به این ترتیب، میراث تاریخی-فرهنگی منطقه اکو به برپایه پیوندها و قابلیت‌های فرهنگی تمام شعب، زمینه مناسبی برای توسعه روابط میان این کشورها فراهم آورده است. این موضوع در اساسنامه اکو نیز مجلسی شده است و ماده دو عهدنامه زمریک‌ای از اهداف این سازمان را تحکیم بیشتر پیوندهای تاریخی و فرهنگی در منطقه تعیین کرده است. انگاره‌های مثل مؤسسه فرهنگی از زمان آرسی‌دی و پس از اجرا و گسترش اکو وظیفه تقویت همپیوندی‌ها و گسترش تبادلات در حوزه‌های فرهنگی و مردمی را برعهده داشته‌اند.

۳-۳- تقارن یا برابری ساختارهای اقتصادی و ظرفیت سازگاری

نظریه‌پردازان همگرایی منطقه‌ای، تقارن یا برابری ساختارهای اقتصادی و ظرفیت و توانایی اعضا برای سازگاری و پاسخ‌گویی به همگرایی را در راستای پذیرش قواعد طرح همگرایی و پیشرفت بعدی آن مؤثر می‌داند. میزان تقارن یا برابری ساختارهای اقتصادی و میزان تبادلات تجاری بین اعضا کشور اکو را می‌توان با شاخص‌هایی مثل حجم اقتصاد، مشابهت نظام اقتصادی و میزان مکملیت اقتصادی مورد بررسی قرار داد. هرچه ساختار کلی اقتصاد کشورها همگون‌تر باشد، امکان موفقیت طرح‌های منطقه‌ای نیز بیشتر است. در زمینه مشابهت نظام‌های اقتصادی و حجم اقتصاد، بررسی ناخش‌های اقتصادی کشورهای عضو اکو نشان می‌دهد که این کشورها دارای تفاوت‌های قابل توجهی با یکدیگر هستند. دراین‌باره به گروه اقتصادهای مختلف مشاهده می‌شود:۱- اقتصادهای بزرگ‌تر و نسبتاً مکمل و توسعه‌یافته‌تر ایران، پاکستان و ترکیه با تولید ناخالص ملی بالاتر. ۲- اقتصادهای به‌سرعت درحال رشد اعضای جدید برخوردار از منابع انرژی (قزاقستان، آذربایجان، ترکمنستان و تا حدودی ازبکستان) و ۳- اقتصادهای کوچک و کمترتوسعه‌یافته تاجیکستان، قرقیزستان و افغانستان که در مراحل پایین‌تری از توسعه قرار دارند. بنابراین، وضعیت اقتصادی اعضای اکو با توجه به تفاوت‌های اساسی در حجم تولید ناخالص داخلی و